



مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران *

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز سه شنبه دهم تیرماه ۱۳۵۹

فهرست مندرجات

- ۱ - اعلام رسمیت جلسه ویانات آقای رئیس راجع به نحوه نطق قبل از دستور و انتشار اسامی غائبین جلسه قبل .
- ۲ - بیانات آقایان دکتر دیالمه و عباسی راجع به انتشار اسامی غائبین .

- ۳ - بیانات قبل از دستور آقایان شاهچراغی و توکلی .
- ۴ - طرح گزارش کمیسیون تحقیق راجع به رد اعتبارنامه آقای صدرنوبی نماینده کاشمر .
- ۵ - پایان جلسه .

جلسه ساعت ده و پانزده دقیقه به ریاست آقای دکتر دیالمه سحابی تشکیل شد

۱ - اعلام رسمیت جلسه ویانات آقای رئیس راجع به نحوه نطق قبل از دستور و انتشار اسامی غائبین جلسه قبل

رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم. چون اکثریت حاصل است بنا براین جلسه رسمی است دستور اصلی جلسه رسیدگی به گزارش کمیسیون تحقیق راجع به اعتبار نامه ها است و بر طبق معمول جلسات قبل سه نفر از دستور صحبت می کنند راجع به این صحبت قبل از دستور اشکالاتی پیش آمده است و تقاضاهائی وجود دارد و در ضمن یک محظورهائی از نظر وقت و از نظر اینکه بالاخره به کارهای اصلی باید برسیم در پیش هست که بنده تذکری می دهم راست است که آقایان گاهی مطالب لازمی دارند که بلافاصله بایستی در همان روز اظهار کنند گو اینکه تا بحال بنده کمتر یک چنین موضوعی که موضوع روز باشد دیده ام غیر از یک مورد راجع به سیل میانه شاید موارد دیگرش را حداقل بنده توجه نکرده ام. ولی ما برای اینکه رعایت اصول بشود و نوبت از هر طرف رعایت بشود یکی از آقایان منشی ها را مسئول این امر کرده ایم نوبت ها را محفوظ داشته اند که هر روز سه نفر مدت پنج دقیقه بیایند و صحبت کنند.

چون الان نه مجلس در مقام رسمیت قانونگذاری است و نه این صحبت ها قبل از دستور جنبه قطعی و قانونی و برای ما الزام آور است فقط ما میخواهیم جمع بین امور بشود هم آقایان مطالبشان را بگویند هم در ضمن ما هم از آن کار اصلی که داریم زیاد منحرف نشویم. برای این منظور فعلا از روی آن نوبت ها که تا کنون منظور داشته اند عمل می کنیم. اما از جلسه بعد تابلویی در جلوی در جلسه که در کردید و مجلس نصب خواهد شد و سه نفر از آقایانی که مطلبی دارند چند دقیقه ای در روز صحبت خواهند کرد البته هر کسی زودتر اسم نوشت می تواند صحبت بکند و بنا براین آقایانی که مطلب خیلی لازمی دارند زودتر تشریف بیاورند و اسمشان را یادداشت کنند و اگر احیانا کسی مطلب لازمی داشت ولی دیگری آمده و نوبت را گرفته میتوانند بین خودشان توافق کنند و آن شخصی که اولویت دارد میتواند نوبتش را به فرد دیگری که در اولویت نیست بدهد که اگر مطلب مهمتری دارد که بگوید برای اینکه هم رعایت نوبت بشود و هم اینکه موضوعهائی که لازم است و موضوع روز است احیانا در مقام تذکر از آن غفلت نشود. اینک وارد دستور می شویم ، دو نفر از آقایان تذکراتی دارند . یکی آقای دیالمه هستند که راجع به غائبین که متأسفانه ما نمیخواستیم در جراید منتشر شود و مخصوصا خود من هم پریروز که صورت غائبین جلسه ما قبل خوانده شد متذکر شدم که این صورت را فقط برای تذکر

مجلس می خوانیم ، متأسفانه در آن صورت اشتباهاتی بوده زیرا افرادی بوده اند که در جلسه حاضر بوده اند ولی در اثر اشتباه در صورت غائبین منظور شده بودند و متأسفانه من دیشب در روزنامه کیهان دیدم که اسامی غائبین منتشر شده بود. من این بی دقتی ها و تجاوزاتی را که میشود اذعان میکنم زیرا چیزهائی که نباید منتشر بشود منتشر می کنند و البته ما در این مورد اقدام لازم را کرده ایم مع ذلک برای اینکه مبدا حتی تضييع شود و کسی که حاضر بوده است نامش جزو غائبین برده نشود، آقای دکتر دیالمه راجع به غائبین آن جلسه توضیحاتی خواهند داد و بعد هم آقای عباسی در همین موضوع تذکری دارند که خواهند داد چون مکرر می گویند تذکری که لازم است بدهم . بنابراین ، این دو تذکر قبل از افرادی که نوشتشان را محفوظ کرده اند داده میشود. آقای دکتر دیالمه بفرمائید.

۲ - بیانات آقایان دکتر دیالمه و عباسی راجع به انتشار اسامی غائبین

دکتر دیالمه - در اولین جلسه ای که اسامی غائبین در اینجا قرائت شد ، یا اینکه آقای دکتر سحابی ذکر فرمودند که نشریات اقدام به درج این مسائل نکنند و این فقط برای استحضار مجلس است ، با همه این مسائل یکی از جراید اینرا چاپ کرد و نه تنها این مطلب را چاپ کرده بلکه توضیحی را که ما در انتهای این بحث دادیم که تعدادی از این اسامی که اعلام شده اشکال دارد و چند نفر هستند که در مجلس حضور داشته اند منتها به علت تعویض جایشان به حساب غائبین گذاشته شده اند . آن اسامی را اعلام نکرده و از آن جمع کلی حذف نکرده و باین ترتیب اشکالاتی را ایجاد کرده است . از جمله آقای محمد رضا عباسی از کوهدشت و آقای هادی از تهران اشخاصی بودند که ما در آنروز اعلام کردیم که در مجلس تشریف داشته اند و اشکالاتی در آن لیست قبلی که خوانده شده است وجود دارد . این مطالب را روزنامه کیهان درج نکرده است . در جلسه گذشته هم اسم آقای قهرمان رحمانی از تاجیکستان بجای اسم آقای حسینعلی رحمانی از بیجار که در جلسه غائب بودند اعلام شده است یعنی فرد غائب آقای حسینعلی رحمانی از بیجار بوده اند نه آقای قهرمان رحمانی از تاجیکستان .

رئیس - آقای عباسی بفرمائید.

عباسی - بسم الله الرحمن الرحيم. چند تذکر بود که دو مورد آن را جناب آقای دکتر سحابی اشاره فرمودند . یک تذکری که آقایان محترم نمایندگان باید در جریان آن باشند در رابطه با مسأله ای است که چند روز قبل امام است و

* - در جلسه علنی شماره بیست و یکم (۱۳۵۹/۴/۳۱) با تصویب ماده واحده ای نام «مجلس شورای ملی» به «مجلس شورای اسلامی» تغییر یافت.

و اهواز رفتیم در آنجا ما را مؤاخذه کردند که این چه مسأله ایست که اولین اقدام بر علیه قانون اساسی شده زیرا نقض قانون اساسی است.

کیاوش - چه مسأله‌ای است آقا؟

رشیدیان - همان مسأله‌ای که ما یادداشت دادیم و اعضاء هم کردیم و دادیم خدمت جناب آقای دکتر سجایی الان هفده روز است که این مسأله مرتب دست به دست شده.

رئیس - با کمال تأسف آقایان حاضر نیستند که یک مسائلی که جنبه اصولی دارد و از مجرائیکه باید عمل بشود و احياناً احتمال تالی فاسد هائی درباره آن میشود این را توجه داشته باشند و بنده را بناچار مجبور می‌کنند که الان مقداری از وقت مجلس را بگیرم و توضیحی در این خصوص بدهم. حالا تقاضای آقایان و آن عملی هم که من کرده‌ام به اطلاعاتان می‌رسانم. کمیسیون تحقیق تقاضا داشته‌اند که خودشان درباره تحقیق بعضی پرونده‌ها مستقیماً به مراکزی که بایستی اطلاع از آنها کسب بشود بروند و اطلاع کسب کنند. باین جهت سه نفر از آقایان را معرفی کردند، من هم موظف بودم به آن مقامهائی که باید به آنها مراجعه بشود مراجعه کنم اما من شأن مجلس را نمی‌بینم که مستقیماً با هر مقام کوچکی که در آنجا هست با آن مکاتبه کنم زیرا مسائل مربوط به قوه مجریه است و من بایستی بدولت و به رئیس قوه مجریه مراجعه کنم و متذکر شوم که این آقایان، نمایندگان ما از مجلس هستند و حق دارند بر طبق مصوبه مجلس به آن مراکز مراجعه کنند و آن مراکز باید آماده باشند که اطلاعات را آنطوریکه مستقیماً خود این آقایان می‌خواهند در اختیارشان بگذارند این آقایان نمایندگان را من معرفی کردم و رونوشت آنرا هم به کمیسیون تحقیق فرستادم تا این اندازه وظیفه من است که حفظ حیثیت مجلس را بکنم و با مقامات خصوص هرگز مکاتبه‌ای نکنم زیرا مسؤول دولت است که بایستی موجبات تأمین حیثیت را فراهم آورد حالا اگر وسائل کافی نیست که من به آن مقام بگویم و هیچ موجبات تأمینیه برای این منظور در نظر گرفته نشود وظیفه دولت است که به آن مقام متذکر بشود که وسایل امنیتی موضوع را هم فراهم کنند بنده این عمل را کرده‌ام. در رسانه‌های گروهی از طرف روابط عمومی ریاست جمهوری، گفته‌اند که آقایان را معرفی کردیم و مطالبی گفته‌اند خوب البته این دیگر خارج از قدرت مجلس است حالا آقایان می‌خواهند در این باره مطالبی مطرح کنند که چرا مقامات در کار مجلس دخالت می‌کنند البته این وظیفه ما است یعنی قوه مقننه بایستی که تصمیم بگیرد و من هم تا این اندازه که در این مقام هستم موظف هستم حیثیت قوه مقننه را محفوظ بدارم و در مواقع کار اجرائی به قوه مجریه مراجعه کنم که این عمل شده است حالا اگر یک خطائی کردند و فرضاً در رسانه‌های گروهی گفتند من مکاتبه خواهم کرد و این حیثیت آقایان را اگر خیال می‌کنند در این مورد خدشه‌ای وارد شده است بنده حفظ خواهم کرد. آقایان اصرار دارند همین موضوع را بیابند در مجلس به اطلاع آقایان برسانند و بگویند که چرا فلان مقام یا آن مقام اصلی دخالت کرده است ولی توجه فرمائید در این موقعی که ما اینقدر احتیاج داریم که باید حیثیت تمام نیروها محفوظ بماند من این کار را بدون شأن مجلس دانستم. این است که بنده در این خصوص مقاومت کردم و گفتم که مطلب را من خودم عمل خواهم کرد و دیگر آقایان در اینجا مطرح نفرمایند. این بحث را که آقایان تذکر می‌دهند راجع به این موضوع است.

رشیدیان - مطلب به این شکل نبوده جناب آقای دکتر سجایی

رئیس - بنده دیگر بیشتر از این وقت مجلس را نمی‌گیرم. بگذارید بعداً با خود بنده در این مورد صحبت فرمائید زیرا امروز همین موضوع را من بارؤسای شعب و یا هیأت رئیسه مطرح کردم و آقایان هم همین عمل را که بنده کردم تأیید فرمودند و بنده چیز دیگری غیر از این نمیتوانم به استحضار مجلس برسانم.

۳ - بیانات قبل از دستور آقایان شاهچراغی و توکلی.

منشی - بنام خدا. نمایندگانیکه امروز صحبت قبل از دستور را دارند. آقایان: احمدی، هراتی، وحائری زاده بودند باین تذکر که آقای هراتی نوبت خودشان را به آقای شاهچراغی و آقای حائری زاده هم نوبت خودشان را به آقای توکلی دادند از آقای احمدی خواهش میکنم که تشریف بیاورند.

رئیس - لطفاً آقای احمدی تشریف بیاورید.

احمدی - موقع صحبت من گذشت دیگر عرضی ندارم.

رئیس - آقای شاهچراغی فرمائید.

رهبر بزرگ انقلاب با انتقاد و با زخواست از مسؤولین امر دستوراتی فرمودند دو سه روز قبل یک محموله پستی از پاکستان به قم آمده بود که بنده دیدم در کشور پاکستان تمبری با عکس رضاخانی میر پنج یا قلدر هر چه تعبیر می‌کنید چاپ کرده‌اند. این را البته از وزارت امور خارجه بایستی بخواهیم که از سفارت پاکستان توضیح بخواهند زیرا این تمبر بهاء داشته و رسمی بوده حالا باید دید جریان چه بوده است که از این تمبر استفاده کرده‌اند؟ و بعد از وزیر مخابرات باید بخواهیم که دستورات لازم را به مسؤولین امر بدهند که این نامه‌ها باید به مقصد برسند یا برگردند؟ خاطر مبارک آقایان در این مورد مستحضر باشد.

رئیس - آقای عباسی این تذکر نبود این یک مطلب قبل از دستور بود که حقیق بود که در همان ردیف، شما ذکر می‌کردید.

عباسی - بله، خودتان فرمودید که مطلبی را میخواهم بگویم و دو سه روز است که برای این کار وقت خواسته‌ام.

تذکر دوم. با اینکه بعضی از نمایندگان محترم بشدت ایراد و انتقاد کردند، از بعضی روزنامه‌ها و بخصوص از روزنامه کیهان و جناب آقای دکتر یزدی هم وعده فرمودند آنها را نصیحت و ارشاد کنند و به وظایفشان آشنا سازند. و جناب آقای دکتر سجایی وعده فرمودند که اگر این بی‌نظمی‌ها تکرار بشود آن روزنامه نگار را به مجلس راه ندهند. این وعده را بخصوص ایشان در آنروز فرمودند در عین حال دیروز در اتومبیل که بودیم یکی از دوستان ضمن اینکه اخبار مجلس را میخواند گفت شما که همیشه بوده‌اید چرا شما را جزو غائبین منظور کرده‌اند؟ مهم این است که در اینجا چه اشتباهات عدیدهای شده است این خبر مربوط به روز یکشنبه است البته اگر روز یکشنبه می‌نوشت غائبین دیروز درست بود همه غایب بوده‌اند تنها ما نبودیم در صورتی که روز چهارشنبه جلسه بوده و ما همه اینجا بوده‌ایم چند نفر دیگر آقایان هم بوده‌اند من از روزنامه نگار کیهان سؤال می‌کنم آقای رئیس محترم مجلس فرمودند اینجا بی دقتی کرده‌اند ولی ما نمی‌پذیریم بی دقتی باشد من میگویم با کمال دقت و مواظبت سعی دارند که اخبار را خلاف واقع منعکس کنند چطور آنچه را که در جلسه‌ایکه رسمیت نیافته بوده گفتند و نوشتند ضبط و ثبت شد اما آنچه را که منشی جلسه تاکید کرد و خواست و در جلسه رسمی هم بود، آن را قید نکرده‌اند. بنا بر این باشد روزنامه کیهان را ما تبریج می‌کنیم و از برادرمان آقای دکتر یزدی می‌خواهیم اگر در خط ایشان هستند و خط شان را می‌خوانند باز هم نصیحتشان بکنند و آن مجازاتی را که آقای دکتر سجایی وعده فرمودند درباره مخبر روزنامه کیهان اگر عملی هست و اگر امروز ممکن است عملی کنند. ولی آنچه را که ایشان تاکید کردند و خواسته‌اند نوشته بودند و خبر دیگری که سعی می‌کنم عرض را به پایان ببرم مثلاً نوشته‌اند که در کوه‌دشت عده‌ای مهاجمین ناشناس به مسجد و به مجلسی که در آنجا بوده حمله بردند وقتی این خبر را خواندم من بدوستم گفتم تنها اسید این است که به خبرهای روزنامه کیهان اعتباری نیست. و بعد تلفن کردم معلوم شد که یک پاسداری با فرمانده عمایات حرفشان شده نه مسأله ناشناس بوده و نه مسأله مهاجمین ناشناس بوده حالا از راه دور افرادی از اهالی آنجا یا مسؤولین امر این جریان را بخوانند بهر حال آنچه را که در توان دارید در انجام وظیفه‌تان نسبت به روزنامه نگاران ما آقایان را نصیحت یا احياناً مجازات فرمائید. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

رئیس - وارد دستور میشویم آقای دکتر یزدی فرمائید. ببخشید خیلی عذر می‌خواهم برای اینکه سه نفر از آقایان نوبت خواسته‌اند ...

هادی غفاری - آقای دکتر سجایی بنده در جلسه قبل مسأله‌ای را عرض کردم که ابلاغ فرمائید ولی نفرموده‌اید.

رئیس - چه ابلاغی بکنم آقا؟ الان مطرح کردیم و قرار شد که با آقای رشیدیان صحبت بکنم و خود من درباره آن اقدام می‌کنم.

رشیدیان - آقای دکتر بایستی اعلام بشود این یک مسأله ایست که بایستی همه آقایان نمایندگان از آن مسأله با اطلاع باشند خواهش می‌کنم اعلام فرمائید ما که مسأله شخصی نداریم

رئیس - آقای رشیدیان مسأله شخصی نیست این یک دستور اداری است که اسم آقایان را نبایستی در جایی ببرند و درباره آن تذکر خواهم داد.

رشیدیان - این از وسایل ارتباط جمعی پخش شده و ما که به آبادان

بقیه صحبت‌ها که میشوند و نظری نمیدهد صحبت من را هم گوش کند .
عده‌ای از نمایندگان - آقا این برخلاف آئین نامه است .

توکلی - هیچ برخلاف آئین نامه هم نیست .

یکی از نمایندگان - پرونده‌ای که رد شده و تمام شده دیگر لزومی ندارد که آنرا بازگو کنید .

توکلی - من میخواهم نصیحت کنم که دیگر مجلس چنین اشتباهی نکند اصلاً اجازه بفرمائید همین کار الان شما یعنی همین طرز برخورد شما با من بد و غلط است توجه بفرمائید بگویم چرا . من نمیخواهم بگویم شما پرونده را (عده‌ای از نمایندگان - پرونده‌ای که رد شده دیگر صحبت کردن درباره آن صحیح نیست) همین که شما بدون نوبت صحبت میفرمائید غلط است هیچ اشکالی ندارد من عرایضم را تمام می‌کنم ولی آقایان همین که شماها تک تک و بدون اجازه صحبت می‌کنید همین کار خلاف است هیچ عیبی ندارد من مسلمانی هستم مطیع فرمایشات شما و مخلص شما هستم شما بگوئید که توکلی توخلاف کردی اگر من نپذیرفتم حرف شما صحیح است میخواهم عرض کنم مجلس با این مسأله برخورد ناصحیح کرده و اگر من غلط میگویم خدای نخواستہ باید مرا اصلاح بفرمائید بگذارید من توضیح بدهم زیرا اگر

خدای نخواستہ یک مسأله را می‌بینیم که برادران من دارند اشتباه می‌کنند اگر بتوانم بیایم اینجا بگویم این چه میشود ، بنابراین اجازه بفرمائید حرفم را بزنم اولاً بدانید در شعبه ، چهار رأی موافق و سه رأی مخالف و ۱ رأی ممتنع و با توجه باینکه رأی‌های ممتنع نباید در نظر گرفته بشود این پرونده اصلاً نبایستی در شعبه رد میشد و به کمیسیون تحقیق میرفت . درثانی آن کمیسیون اسمش کمیسیون تحقیق است وقتی برادرانی که اینجا اعتراض می‌کنند و حق هم داشتند اعتراض بکنند و بیشتر ادعاهایشان و ادعای آقای دکتر دیالمه و آقای هادی هم همین بود که می‌گفتند شهربانی دوازده تانامه نوشته چرا به کمیسیون تحقیق نرفته و این نامه‌ها را نخوانده‌اند که چه بوده است الان شما بروید در دادسرای انقلاب به شهر برعلیه من شکایات زیادی هست

ولی وقتی برویم نگاه می‌کنیم می‌بینیم بی‌پایه است . کمیسیون تحقیق موظف است که اگر اینجا ادعائی میشود تحقیق کنند . ادعا میشود که در شهر ، جو ارباب بوده ولی نزدیک بودن آراء بهم قرینه‌ای است که جو ارباب نبوده است بنابراین کمیسیون تحقیق باید قدم رنجه کند و پرونده‌ها واقعاً ببیند جو ارباب بوده یا نه ، این معنی ندارد که کمیسیون تحقیق باشد ولی تحقیق نکرده باشد بعد ببینند اینجا بگویند رد است یا اثبات است . مطلب بعدی این است ، روش ما تا قبل از رسیدگی به پرونده‌هایشان اینطور بود که کسانی که موافق بودند و بخصوص شهود میتوانستند در مورد پرونده‌ای که مطرح است صحبت کنند زیرا اینجا محکمه بود و آنهایی که با کار قضائی آشنا هستند میدانند که اینجا دقیقاً شکل محکمه را داشت . یعنی فردی اتهاماتی وارد بود که آقای رئیس هم برایش احترام می‌گذاشتند و می‌فرمودند اعتراضاتی و اتهاماتی برایشان وارد است که میتواند شخصاً دفاع بکند و یا اگر شهودی داشت میتوانست ثابت بکند که آنچه به او نسبت داده‌اند درست نیست . باینکه جناب آقای سبحانی اول فرمودند که به شهود اجازه میدهم حرف بزنند اما اجازه ندادند حالا یادشان رفت نمیدانم به چه علت بود ولی توجه بفرمائید که چنین برخوردی در شان مجلس نیست . بعد برادری که میخواهند

سؤال بکنند نحوه سؤال و شکل سؤال جوری بود که یک مقدار در رد و نفی بود خوب اشکال ندارد این را اگر پذیرفتیم باید آن کسیکه نحوه سؤال‌اتش در تأیید آن است آنرا هم بپذیریم میخواهم بگویم که این نحوه برخورد بد است . این چه خاصیتی دارد ؟ امام به ما فرمود که شما باید اسوه باشید . از نظر اخلاق این حسن را دارد که الان یک سازمانی مثل سازمان مجاهدین خلق منافق که موضع خودش را مشخص نمی‌کند این کاری را که ما می‌کنیم سرمشق است زیرا دست‌انها را رو می‌کنیم که آنها منافق هستند که موضع نمی‌گیرند و آن کادرهای پائین هم می‌فهمند که توبه کردن و بازگشتن از کار خطا عیبی ندارد مجلسی که به قول برادرمان قلب ملت است اگر یک اشتباهی مثل ارتکب بشود می‌آید خودش را تصحیح میکند چه بهتر که اگر ما گول این منافقین را خورده بودیم برویم خودمان را تصحیح بکنیم...

رئیس - آقای توکلی وقتان تمام شد .

توکلی - وقت من تمام شد دیگر عرضی ندارم پیشنهاد من این است که این پرونده دوباره برگردد به کمیسیون تحقیق (عده‌ای از نمایندگان صحیح

شاهچراغی - بسم الله الرحمن الرحيم . در چند روز گذشته شاهد دو پیام حیات بخش از امام است در مورد افشای منافقان و تصفیه ادارات از عناصر ضد انقلاب و توطئه گران بودیم .

این دو پیام خون تازه‌ای را در رگ است در جهت انقلاب دمید و دیدیم که یکباره ملت مسلمان هم موافقت خودشان را با این پیام مثل همیشه باشور و احساس تمام اعلام کرد ولی مجلس که باید قلب بیدار این است و هوشیار نسبت به همه مسائل باشد ، متأسفانه تا کنون هیچ کس العمل صریحی نسبت به این جریان نداشته و از گوشه و کنار هم شاهد این هستیم که بعضی از مسوولان و دیگران نیز سعی می‌کنند بخصوص جریان تصفیه ادارات را که یک موضوع حیاتی برای انقلاب ما و تغییر وضع ادارات است ملوث کند . ناچار گروهی از برادران نماینده تصمیم گرفتند که متنی را در همگامی خودشان با ملت نسبت به پیام امام و نظرو عکس العمل خودشان را نسبت به پیام امام است اعلام بکنند . متنی تهیه شد که در اینجا به خدمت برادران و خواهران گرامی عرضه میشود اگر موافق این متن و محتوای این متن هستید میتوانید بعد از اتمام مجلس آنرا امضاء بفرمائید تا از طریق رسانه‌های گروهی به اطلاع همه مردم برسد ، بخصوص تأکید میشود در اینکه ممکن است دست‌هایی بکار یفتند و محتوای این دو پیام را که بسیار صریح و روشن است ملوث بکنند و ما باید بیدار و هوشیار باشیم و این جریان را هم اکیداً پی‌گیری بکنیم .

یکی از نمایندگان - خواهش می‌کنم آقای شاهچراغی شما متن را بخوانید و نمایندگان موافق قیام کنند .

(متن بشرح زیر قرائت شد)

بسم الله الرحمن الرحيم . امام است و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران طی دو پیام تاریخی حرکت و جهش جدیدی را در میان است و جامعه ایجاد کرده است امام در پیامهای سزور موضع صریح و قاطع خود را در قبال دو جریان انحرافی و فاسد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی بیش از همه به انقلاب و خط انقلابی امام ضربه وارد کرده‌اند . یعنی گروههای ضد انقلاب منافق و کادرهای اجرائی محافظه کار و غیر انقلابی به روشنی ابراز داشت ما نمایندگان امضاء کننده زیر ضمن تأیید کامل پیامها و رهنمودهای اخیر امام موارد ذیل را اعلام میداریم :

۱ - از مردم مسلمان و خصوصاً انجمنهای اسلامی ادارات و مؤسسات می‌خواهیم که با هوشیاری کامل و با تمام قوا پیام امام را پیگیری نمایند .

۲ - به مسوولین اجرائی هشدار می‌دهیم که از هر نوع تسامح و کار - شکنی و تحریف پیامهای امام خودداری کرده و موضع صریح و قاطع خود را همچون آیت الله العظمی منتظری در قبال آنان هر چه زودتر روشن کنند .

۳ - ما صریحاً اعلام می‌کنیم که هر نوع کوتاهی و یا کار شکنی در اجرای پیام و رهنمودهای امام را به هیچوجه تحمل نکرده و به مجرد رسمیت یافتن مجلس کوتاهی هارا بررسی کرده و عوامل آنها را به استیضاح خواهیم کشید .

۴ - از کادر رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران میخواهیم بجای برخوردهای منافقانه و مظلوم نمایانه هر چه زودتر مواضع صریح خود را در قبال نظریات امام و آیت الله العظمی منتظری اعلام کرده و اعضای پاکدل و هواداران ناآگاه را از پلاکتلیفی نجات دهند .

البته این متن اینجا موجود است عده‌ای از نمایندگان محترم هم امضاء کرده اند اگر بقیه آقایان هم موافق هستند میتوانند امضا بفرمائید تا از طریق رسانه‌ها منتشر شود . (تکبیر نمایندگان)

رئیس - آقای توکلی بفرمائید .

توکلی - بسم الله الرحمن الرحيم . رب اعوذ بک من همزات الشیاطین . واعوذ بک رب ان یحضرین . مطلبی را که میخواستم عرض کنم راجع به جلسه دیروز بود ، دیروز اینجا پرونده آقای حسینجانی مطرح شد که من در شخصیت ایشان هیچگونه اظهار نظری نمیکنم . اما راجع به نحوه برخورد کمیسیون ، شعبه و مجلس ، با این مسأله نکاتی را میخواهم عرض کنم اولاً این پرونده وقتی در شعبه مربوطه مطرح شد چهار رأی موافق و سه رأی مخالف و ۱ رأی ممتنع داشت .

رئیس - آقای توکلی این موضوع تمام شده است .

توکلی - من پنج دقیقه وقت دارم ، آقای دکتر سبحانی اجازه بفرمائید من بگویم که چرا گذشته اجازه بفرمائید . اشکالی ندارد مجلس میتواند مثل

رسانید گزارشی نموده‌اند و نام آقای صدرنبوی هم آمده است، درعکس مورد نظر هم ناسپرده وجود دارد که در کنار سایر اساتید به صف ایستاده‌اند، آقای صدر نبوی از خود دفاع کرده‌اند که این یک دستور عمومی برای همه بوده است و بازور همه را بردند و یک ملاقات خصوصی نبوده است. کمیسیون دفاعیات آقای صدرنبوی را استماع نمود و پس از شور نظر خود را نسبت به دو سند مورد بحث به شرح زیر بیان کرده است.

۱ - در مورد عضویت آقای صدرنبوی در حزب رستاخیز اگرچه ممکن است ثبت نام در حزب بازور و بدون اطلاع ناسپرده انجام گرفته باشد اما حضور پیدا کردن در جلسات حزب به اعتراف خود ایشان و معاونت کانون حزبی برای کمیسیون قابل توجیه نمی‌باشد لذا دلایل آقای نبوی را مردود دانست.

۲ - در مورد عکس با شاه با توجه به تاریخ این ملاقات و عکسی که در خردادماه ۱۳۵۷ یعنی در اوج مبارزات ملت بعد از قتل عام‌های سردم در قم و تبریز ویزد و در زمانی است که به هر دلیل تقلیل فشارهای سیاسی آغاز شده است توجیه آقای صدرنبوی و سایر کسانی که در آن روز به حضور شاه رسیده‌اند قابل قبول نمی‌باشد. به نظر این کمیسیون شرایط سیاسی و مبارزات سردم در آن ایام آن چنان بوده است که این افرادی بایستی از انجام این منکر استتک‌افسی و رزیدند و با توجه به مراتب بالا کمیسیون تحقیق ایرادات و اعترافات وارده را تأیید و با اکثریت آراء رد اعتبار نامه آقای صدر نبوی را تصویب نمود.

باتشکر مخبر کمیسیون تحقیق - یزدی

رشیدیان - آقای یزدی نفرمائید عضو، بگوئید معاون و منشی (همه نمایندگان).

رئیس - گزارش کمیسیون تحقیق درباره اعتبارنامه آقای صدر نبوی منفی است بنابراین اعتبارنامه ایشان از نظر کمیسیون رد شده است. با این وصف چون در مجلس مطرح شده است باید دو نفر آقایی که مخالف بودند حق صحبت داشته باشند و بعد هم خود آقای صدر نبوی هم در دفاع می‌توانند صحبت بفرمایند. آقای توکلی و آقای ملازاده مخالف بوده‌اند و فقط همین دو نفر آقایی هستند که می‌توانند صحبت کنند، آقای توکلی بفرمائید.

توکلی - بسم الله الرحمن الرحیم. عرض کنم خدمتان که من فکر می‌کنم کمیسیون تحقیق اینجا خوب تحقیق کرده است.

دکتر یزدی - در مورد همه پرونده‌ها خوب تحقیق کرده است.

توکلی - نکته اساسی در مورد این مسأله این است که ایشان در کمیسیون تحقیق ادعا کردند که من سوابق مبارزاتی داشتم و در خارج از کشور با جبهه ملی چین و چنان می‌کردم در دانشگاه کسانی را داشتیم که سوابق مبارزاتی نداشتند ولی پیش شاه هم نمی‌رفتند و عضو و معاون کانون هزارو یکصد و یازده دانشکده ادبیات مشهد هم نمیشدند ایشان معاون بودند و رئیس ایشان هم دکتر علائی بود. ایشان و دکتر مؤیدی معاون این کانون حزبی بودند چطور میشود کسی که تمایلاتی از خودش نشان ندهد و موضع خاصی در جهت تأیید رژیم نداشته باشد، بطور ناگهانی بیاید و از میان تمام استادان یکی از آن‌ها را بگیرند و معاون بکنند، آن هم اجباری؟ اگر چیزی اجباری باشد آدم مقاومت می‌کند و نمیرود، کسیکه ترجیح میدهد گردی به قبایش نشیند و هرچه که آن‌ها به زور گفتند بگوید چشم، ما هم این را می‌گوئیم که کسی که این طوری است و به این سادگی تسلیم زور میشود شایستگی نشستن در دوره اول مجلس شورای اسلامی را ندارد، (یکی از نمایندگان - و دوره‌های بعد...) حالا ما دوره‌های بعد را نمی‌گوئیم، چون ممکن است در این چهار سال جبران خطاهای خودش را بکند و با عملکرد طولانی، اطمینان بدهد و ثابت کند که ایشان عوض شده و توبه کرده (همه نمایندگان) ایشان با عده‌ای موقعی به حضور شاه می‌روند که در قم کشتار شده، تبریز کشتار شده شاه‌آمده عذر خواهی کرد و آنقدر شاه خودش را کوچک کرده که گفتند من از دانش آموزان هم معذرت می‌خواهم، یادتان هست عید دو سال پیش را؟ و آقا بلافاصله سخنرانی می‌کنند و می‌فرمایند توبه گریگ مرگ است، بعد از این جمله آقا اولین بار هم آقای غفاری بوده است که مرگ بر شاه را مد می‌کند. همه دارند می‌گویند مرگ بر شاه و سه مرتبه از جوانان مسلمان کشتار میشود و چهار تا چهل برقرار میشود. آنوقت ایشان بلند میشوند و با سیصد و شصت نفر دیگر که بقیه هم مثل خود ایشان بودند خدمت شاه می‌روند عکس آن مراسم هم اینجا هست و من به خیلی از برادران نشان دادم، ما صفی را که می‌ایستادند

(است) (همه نمایندگان).

رئیس - اسامی غائبین جلسه گذشته را قرائت فرمائید.

(بشرح زیر قرائت شد)

منشی - اسامی غائبین روز ۱۳۵۹/۴/۹ آقایان: مصطفی چمران، احمد بهشتی، عبدالحمید آقا رحیمی، سیداحمد حسینی، سیدابوالحسن حسینی، محمود رضائی هنجانی، سید احمد مدنی مجید انصاری، علی معرفی زاده، حسینعلی رحمانی، عبدالکریم شرعی، حسین هاشمیان، خسرو شقائی، سیدابوالفضل رضوی اردکانی، چراغ زاده دزفولی، عزت‌الله سحابی، محمدجواد حجتی کرمانی، بهرام تاجگردون، محمد زید بهیجانی، محمد خلیلی، محمدعلی منتظری نجف‌آبادی، علی اکبر دهقان، علی حقیقت افشار (بیست و سه نفر)

چراغ زاده - آقا اشتباه کردید من بودم.

دکتر دیالمه - آقای چراغ زاده شما می‌فرمائید من بودم ولی لیست را امضاء نکرده‌اید.

چراغ زاده - من نمی‌دانستم بایستی لیست را امضاء کنم.

دکتر دیالمه - پس تقصیر ما نیست شما بایستی لیست را امضاء فرمائید در غیر این صورت جزو غائبین محسوب میشود.

حائری زاده - آقای دکتر سحابی بنده یک تذکری دارم وقتی ما الله اکبر می‌گوئیم بفرمائید تماشاچیان سکوت بفرمایند برای اینکه خود ما هستیم که باید الله اکبر بگوئیم و یا نگوئیم.

رئیس - بسیار خوب تذکر داده خواهد شد، آقای دکتر یزدی بفرمائید.

۴ - طرح گزارش کمیسیون تحقیق راجع به رد اعتبارنامه آقای صدر نبوی نماینده کاشمر

دکتر یزدی - بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین. برادران و خواهران سلام علیکم قبل از طرح گزارش کمیسیون دوتذکر را باید با اطلاع آقایان برسانم. وقتی یک پرونده‌ای در جلسه علنی مجلس مطرح میشود کمیسیون تحقیق ارجاع میشود و نمایندگان محترم مطلبی، سندی، موضوعی در رابطه با آن پرونده و اعتبارنامه دارند استدعا میکنیم بلافاصله به کمیسیون تحقیق مراجعه کنند و در اختیار کمیسیون تحقیق قرار بدهند تا کمیسیون بتواند رسیدگی بکند و وقتی که پرونده‌ها یک تصمیمی از طرف کمیسیون به مجلس برمیگردد دوباره آن مدارک و اسنادی که کمیسیون اصلاً اطلاعی از آن‌ها نداشته است اینجا مطرح نشود، دوم اینکه برخی از آقایان نمایندگان محترم نسبت به اعتبارنامه آقایان دیگری اعتراض کرده‌اند و علت اعتراض و مخالفت آنها این پرونده‌ها به کمیسیون ارجاع شده است. علی‌رغم این که ما به آن‌ها کتباً اطلاع دادیم که به کمیسیون تشریف بیاورند و موارد اعتراض خودشان را کتباً به کمیسیون بدهند هنوز بعد از دو یا سه هفته این آقایان به کمیسیون مراجعه نکرده‌اند و این کار برای کمیسیون در مورد رسیدگی و تصحیح و تکمیل بعضی از پرونده‌ها اشکال ایجاد کرده است. گزارش رسیدگی به اعتبارنامه آقای صدرنبوی نماینده کاشمر

پرونده انتخاباتی حوزه کاشمر و اعتبارنامه آقای راسپور صدر نبوی که به علت مخالفت و اعتراض آقایان توکلی و ملازاده به کمیسیون تحقیق ارجاع شده بود در جلسه مورخه ۲۵ خردادماه ۵۹ مورد بررسی و رسیدگی قرار گرفت. آقایان توکلی و ملازاده در جلسه حضور بهم رسانیدند و مدارک و اسناد مخالفت و اعتراض خود را به کمیسیون ارائه دادند. این اعتراضات شامل عضویت در حزب رستاخیز و عکس در حضور شاه مخلوع در خردادماه سال ۱۳۵۷ می‌باشد در جلسه مورخه ۲۶ خردادماه ۱۳۵۹ آقای صدر نبوی در کمیسیون تحقیق حضور پیدا کرده و از خود دفاع نمودند. آقای نبوی در مورد سوابق مبارزاتی خودشان در زمانی که خارج از کشور بودند و در فعالیتهای کنفدراسیون و جبهه ملی سوم شرکت فعال داشته‌اند توضیحاتی دادند همچنین درباره فعالیتهای فرهنگی خود در دانشگاه مشهد مطالب مبسوطی را ایراد نمودند. در مورد عضویت در حزب رستاخیز ضمن تأیید آن اظهار داشتند که این عضویت بازور بوده است و ایشان فقط چهار یا پنج بار در جلسات حزب شرکت داشتند و لاغیر در خصوص عکس باشاه توضیح دادند که تمامی اعضای کادر فرهنگی دانشگاه... (یکی از نمایندگان در حزب رستاخیز معاونت داشته‌اند.) در این مورد بعداً توضیح میدهم، اجباراً شرکت داشتند در همین زمینه سندی موجود است که در سوم خردادماه ۱۳۵۷ از جانب رئیس دانشگاه فردوسی به استناداری خراسان ارسال شده است و اسامی و مشخصات کامل ۳۵۸ نفر از کادر آموزش و اداری را که در دیدار شاه مخلوع حضور بهم



که این‌ها، رستاخیزی‌ها را هم وارد کردند، ایشان را ما از وابستگان میدانیم و تقاضا داریم که برادران آن‌طور که شایسته مجلس است و خون‌شهادت‌پایان نشود درباره ایشان تصمیم بگیرند و تصمیم هم خواهید گرفت، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

رئیس - آقای صدرنبوی بفرمائید .

یکی از نمایندگان - آقای سعیدی شایسته نیست که عضو حزب رستاخیز در مجلس بیاید و صحبت کند .

رئیس - توجه بفرمائید، دفاع می‌کند .

صدرنبوی - بسم الله الرحمن الرحيم. انسان از لجن و خدا آفریده شده و سرنوشت هراسانی دویعد مثبت و منفی دارد، در هر کدام از ما زمانی جناده‌ای وجود داشته که تبدیل به ابودرگشته و این نتیجه مکتب تکامل بخش اسلام است و روح پیامبر که سمبل تکامل است جمله‌ای از ولتر به یادم آمد که باید بگویم « یعنی بدانید که در این شهر همیشه حق با کسانی است که تهمت می‌زنند مگر این که متهم بشتابد و معج ایشان را باز کند » و من چنین قصدی دارم . زندگی من از دو قسمت تشکیل میشود عین زندگی شما. یعنی زندگی بیلانی دارد یک‌پست منفی و یک‌پست مثبت، من از پست منفی هستی خودم شروع میکنم و مطالبی که درباره من گفته شد آن‌ها را قبول ندارم زیرا که بعداً خواهیم دید که آیا من رستاخیزی بوده‌ام یا ابودری؟ اول مسأله عکس را عنوان می‌کنم. پیش از اینکه شامسخلوع به دانشگاه بیاید در طبقه دوم دانشکده ادبیات پرده‌ای آتش گرفت که در آن طبقه من و آقای فتح الله خان ارفع دانشجوی نزدیک به من که اهل کاشمر بود و اداره ساواک و گارد دانشگاه من را خواست و آقای دکتر جوادحریری وساطت کردند به عنوان رئیس دانشکده که من در این قضیه دخالتی نداشتم. علاوه بر این تمام دانشجویان من شاهدند و علاوه از وکلا هستند در این جا که در سال‌های چهل و هفت، چهل و نه و پنجاه تا پارسال دانشجوی من بودند و من بنا به گزارش اداره ساواک مارکسیست‌های اسلامی را با قدرت قلم و نمره در دانشکده نگاه میداشتم و شعار من در کلاس‌هایم اسلام راستین و ابودر بوده است، و بعد من از دانشجویانی که در اینجا دارم شهادت خواهم خواست زیرا این توهین که به من کردید اعماق من را مجروح کرده است و من شکایت را فقط به پیشگاه جدم خواهم برد. بنابراین من بطور متوسط بنا به گزارش ساواک سالی پنجاه دانشجویان از جنگال ساواک و دژخیم شاه نجات میدادم به اضافه اینکه فعالیت‌های من در کنفدراسیون و در جبهه ملی در جناح مذهبی در خط دکتر شریعتی برای ساواک واضح بوده است اما وقتی که من به ایران آمدم ابتدا من را دو سال استخدام نمی‌کردند من با دکترای اقتصاد و ترمینار در اقتصاد که به زبان آلمانی به شکل کتاب چاپ شده و فعلاً موجود است، به جرم اینکه از سیامت اقتصادی دکتر مصدق دفاع کردم از استخدام من سرباز می‌زدند. اما اگر من می‌خواستم به این دستگاه نزدیک شوم شهودی حاضرند که دلالت به پیش مرحوم پدرم آمدند و گفتند کاشمر که چنین افتخاری دارد بهتر است در مجلس شورای ملی آن زبان به عنوان کاندیدا مطرح باشد و ما به شما قول میدهم که از گذشته او بگذریم و وکیلش کنیم پاسخ من به حضور پدرم، که البته جناب استاد علی خامنه‌ای پدر من را می‌شناسند، گفتم اگر من در این دستگاه بخواهم فعال بشوم جواب دکتر مصدق و روحانیت مبارز و آگاه و اجداد را که روحانی بوده‌اند چه خواهم داد، دوباره آمدند و من رد کردم. من از خانواده روحانی و از تبار علی هستم من رستاخیزی نیستم من اگر می‌خواستم رستاخیزی باشم با این قدرت بیان و این همه کتاب که نوشته‌ام و چندین مقاله، اقلاً یک مرتبه اسم این مرد خبیث را در کتاب‌هایم می‌آوردم. برای من وزارت آسان بود نه عضویت علی البدل در یک کانون پنجاه نفره‌ای که جناب بیانی در این جا حاضرند شهادت بدهند که من در این زمینه حتی یک کلمه هم صحبت نکردم آقای بیانی خواهش می‌کنم نظرتان را بفرمائید.

بیانی - اجازه می‌فرمائید ؟

رئیس - خیر خواهش می‌کنم، بشنید .

صدرنبوی - خیلی خوب ادامه میدهم بنا بر این من به عنوان عضو علی البدلی که به زور در چهار جلسه آمدم بر اساس مصالحی که فکر میکردم باید ترویج اسلامی بکنیم و دانشجویان مبارز را نگهدارم و پشتیبانی بکنم نشستم و خندیدم و سال بعدش آقای تیمسار فرست با دو سرهنگ در سازمان مرکزی

در تلویزیون خیلی دیده بودیم و اینجا هم در عکس هست که معمولاً جلوی شاه دولا میشدند ایشان هم این جانفر اول هستند و نفر بعد از ایشان دولا شده مشغول دست دادن است، توی صف می‌ایستادند، دولا میشدند، دست میدادند و تعظیم میکردند .

صدرنبوی - من دولا نشدم. (همه نمایندگان) (زنگ رئیس).

توکلی - صحبت نکند وقت دفاع شما میرسد، از این فرمایشات بفرمائید، این را ماهمه در تلویزیون دیده‌ایم . کسی که آنقدر بترسد و جرات نداشته باشد که وقتی باو بگویند برو پیش‌شاه، بگوید می‌روم . ولی بعد آنجا دولا نشود. بفرض اینکه تعظیم هم نکرده باشد، صرف حضورش در محضر قاتل جوان‌های مسلمان و روحانیون این مملکت، کسی که می‌رود و تأییدی می‌گیرد از روحانیون برای کاندیداتوری خودش، و آن ها غافل بودند و این تأییدها را کرده‌اند و بعد در زندگی نامه خودشان نوشته‌اند که من در عاشورای بعد از شهریور پنجاه و هفت با کفن در تظاهرات شرکت کردم اگر یادتان باشد عاشورا تنها مراسمی بود که دولت رسماً اعلام کرد که تظاهرات آزاد است. و همه ایران آزادانه تظاهرات کردند، ما همه این جور آدم‌ها هم شرکت کردند نمی‌گوئیم که پشیمان نشده‌اند، واقعاً هم ممکن است بعد از شرکت ایشان در تظاهرات عاشورا پشیمان هم شده باشند من هیچ گناهی به گردن نمی‌گیرم زیرا الان ممکن است واقعاً طاهر باشند و نمی‌خواهم بگویم که الان ایشان آدم بدی هستند . من می‌گویم که سوابق آن چنانی دارد، آن صلاحیت را احراز نمی‌کند یعنی به توبه او نمیشود اطمینان کرد . هر توبه‌ای یک جبران خاصی دارد و فقط استغفرالله کافی نیست، استغفار قضای ساقات آنچه که از من فوت شده، مثلاً اگر من نماز نخوانده باشم و توبه کنم تا نماز قضا را نخوانم که درست نمیشود، کسی که یک عمل اجتماعی کرده که آثار سوء اجتماعی آن هم در لباس استاد دانشگاه یک آدم عاقل را در نظر نگیرید، علما را در نظر بگیرید چون ایشان جزو علما هستند، استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی هم هستند بنابراین وقتی یک چنین موضعی گرفت باید مدت زمانی بر آن بگذرد و واقعاً با عملکردهایشان در جهت منافع توده ملت، ثابت کنند که توبه‌هایشان مقبول در گاه الهی است آن وقت است که بالای سر ما جاداران الان هم برای بعضی از مناصب امکان دارد که صلاحیت داشته باشند، ولیکن برای چنین منصبی به نظر من ایشان اصلاً صلاحیت ندارند و عکس را هم اگر کسی مایل است ببینید بیاورم خدمت آقایان. عرضی ندارم.

رئیس - آقای ملازاده بفرمائید .

ملازاده - بسم الله الرحمن الرحيم. مادر قانون اساسی داریم که باید نماینده از وابستگان رژیم قبلی نباشد. ما همکاری با ساواک و رستاخیز را وابستگی میدانیم ایشان در سال ۱۳۳۶ همراه صادق بنی صدر جبهه ملی دوم را در خارج از کشور تشکیل میدهند و بعد به ایران برمی‌گردند ولی کسی مزاحم ایشان نمیشود خوب کسیکه در آن شرایط این کار را سیکرده خواه ناخواه وقتی که وارد کشور میشده او را می‌گرفتند و دلیلش هم این است که شریعتی را وقتی آمد گرفتند. بعد ایشان اظهارات دیگری هم کرده بودند که تقریباً در رابطه با خود مرحوم شریعتی که من با ایشان همراه بودم و دوست بودم و صحبت کردم، ایشان هم بطور ضمنی من را تأیید کرده است و از این حرف‌ها که در اعلامیه‌هایشان هم هست و مثلاً مرحوم شریعتی به من گفت که شما بروید و این کارها را بکنید، که ایشان خودشان پاسخگو هستند و با اینکه ساواک در همین اعلامیه که برادر توکلی خواندند تأیید کرده است که این‌ها میتوانند پیش‌شاه بروند و ایشان در حضور شاه هم خیلی مؤدب ایستاده . آن آقا ختم شده ولی ایشان مؤدب ایستاده، خم شدنش کمی بوده مسأله‌ای نیست و در رابطه با کاشمر ممکن است ایشان بگویند که چون آن رقیب من دوست ملازاده است پس ملازاده اعتراض میکند . من مسأله دوستی بزرگ مطرح نیست در کمیسیون تحقیق هم گفتند دوست توست. گفتم بلی، ولی اینهاربطی به دوستی ندارد، آیا رستاخیزی بودن، معاشرت و در چهار جلسه شرکت کردن، خوب خواه ناخواه کسی که چهار جلسه راحت شرکت می‌کرده این نمیتواند مجرم نباشد و به زور که کسی را در جلسات وارد نمی‌کردند، و بعد از آن همه کشتار و جهلم‌آتم، جهلم تبریز، جهلم اصفهان ویزد، باز هم این شکل حرکت برای ما قابل پذیرش نیست و ما ایشان را طبق قانون اساسی از وابستگان نظام شاهنشاهی میدانیم و حداقل آن این است که ما برای صلاحیت مجلس که بتوانیم پاسخگوی مردم و این گروهک‌ها باشیم، که این هافر دایر برای ما دست‌نگیرند

دانشگاه من را به جرم کار شکنی در رستاخیز محاکمه کرد و این قضیه سال ۱۳۵۴ بود که بعد از آن من هم مستعفی شدم و پایم را به این کانون کثیف نگذاشتم. من افتخارم این است که در هیچکدام از کنگره‌های شاهنشاهی و فرمایش بی‌هقی و فردوسی‌ها شرکت نکردم و یک کلام صحبت نمودم و افتخار دارم که قلمم را تا این لحظه مقدس نگاه داشته‌ام، در راه علی و مکتب توحید من قلم زده‌ام انسان شناسی فلسفی من سراسر توحید است، توحید مسیحی و توحید اسلامی و توحید کلی، درباره وحدت وجود و من هیچگاه تا این حد تنزل نکردم که متوسل به آن کانون پلید ضد انسانی و رذیلانه بشوم و پا به فرق شهدا بگذارم و در اینجا نماینده مجلس بشوم که در آن واقعا روح شهدا زنده است، این اعلامیه شهدای کاشمر است که بطور در بست در چند اعلامیه من را تأیید کرده‌اند (خنده نمایندگان).

یکی از نمایندگان - شهدا برای ایشان نوشته‌اند؟

رئیس - خواهش می‌کنم آقای دکتر کمی آرامتر باشید و اعصاب خودتان را خسته نکنید.

یکی از نمایندگان - خواهش می‌کنم چیز هائی را که مربوط به خودتان است بفرمائید.

رئیس - خواهش میکنم ساکت باشید. حق را هم قائل باشید آقای نبوی بفرمائید.

صدر نبوی - اما مسأله دیگر، اگر من واقعا عضو فعالی در این کانون می‌بودم در دانشکده ادبیات، دانشجویان از بعضی از آقایان نسبت به بعضی از مسائل دانشگاه آگاه‌تر هستند و همه میدانند که تعداد دانشجویان من که پیش از انقلاب به دسیسه رئیس وقت دانشکده به وسیله سیستم کارت‌های به‌چهل نفر محدود شده بود بعد از انقلاب بر اساس لیست موجود کلاس انسان شناسی من به سیصد و بیست نفر رسید با مستمع آزاد به چهار صد و چهل نفر که جا در اطاق نبود. اگر من عضو حزب رستاخیز می‌بودم به عنوان معتمد شهرستان مشهد با جناب آقای دکتر صادقی نماینده محترم مشهد در انجمن نظارت مرکزی بر انتخاب ریاست جمهوری شرکت نمی‌کردم. اگر من عضو حزب رستاخیز می‌بودم مرا در رادیو خراسان به عنوان سخنگوی مذهبی و سخنگوی برنامه کارگرددعوت نمی‌کردند و از پیروزی انقلاب تا لحظه شروع انتخابات در هفته چهار سخنرانی در جهت توجیه نظام اسلامی نمی‌کردم. مگر من این زبان را در زمان طاغوت نداشتم که برای پیشرفت خود بگشایم اگر عضو رستاخیز بودم اقل فعال میشدم و مشهور میشدم به این صفت نه اینکه بوسیله یک اتهام اخراج من را از مجلس بخواهند. من با خدای خودم در مسجد جامع کاشمر این عهد را بستم در صبح آن روز دورکعت نماز حاجت گذاشتم، گفتم خدایا اگر صلاح مردم نیست من پیروز نشوم و در اینجا هم که خانه خداست، زیرا که خدا در میان مردم است و عشق خداوند به مردم بالاترین عشق هاست، از خدا میخواهم اگر واقعا شایسته نیستم ساقط شوم بنابراین مسأله رستاخیز و کانونی که در آنجا تشکیل دادند برای من یک وسیله‌ای بود من اطمینان به انصاف اسلامی این مجلس دارم و صادقانه صحبت می‌کنم زیرا که من به این مجلس برای خدمت آمده‌ام به من گفتند اطلاعات اقتصادی داری دوازده سال اقتصاد تدریس کرده‌ای و دوازده سال هم تحصیل کرده‌ای و این جمهوری به تو احتیاج دارد علمای عظام و شخصیت‌های برجسته‌ای من را به این کار وادار کردند من اگر عضو حزب رستاخیز بودم ده سال تمام در مقابل فشاری که برای تدریس آن تمدن‌نگین شاهنشاهی در گروه ما اعمال میشد مقاومت نمی‌کردم و من مقاومت کردم آقای منوچهری دانشجوی خود من بودند بگویند که من یک کلمه درباره این مسائل گفتم یا نگفتم؟ من درس جامعه‌شناسی ایران را عمداً برداشتم که اسم کثیف آن نظام بر زبانی که بنام ابوذری و خدای ابوذری گشاده شده جاری نشود این درباره دفاع از خودم است ولی درباره عکس، تفسیر میکنم، عکسی که آنجا گرفته‌اند و صلاحیت ما را تأیید کرده‌اند. وقتیکه شاه میخواست به دانشگاه بیاید تمام اعضای رسمی دانشگاه را تأیید کردند که قاتل نیستند یعنی سگ نمیکشند وقتی هم که ما وارد شدیم ما را بازرسی بدنی کردند. افتخار من این است که هیچگونه مسؤولیت حساسی بجز معلمی خالص در این دوره نداشتم در حالیکه من استعداد هائی داشتم که میتوانستم بر موج پیروزی سوار بشوم و حقه بازی نکنم و بسادگی بوزارت برسم این امکانات برای من بود ولی به نان خشک معلمی قناعت کردم زیرا از روی کسانی چون دکتر شریعتی دکتر مصدق و امام خمینی خجالت می‌کشیدم و حال جنبه‌های مثبت زندگی

خودم را عرض میکنم. اما کارهای من در دانشگاه مشهد. اولین تئاتر ابوذری را بکمک مرحوم دکتر اجرا کردیم بازیگرش آقای ایرج صغیری بوده. من منفور دستگاه بودم بهمین دلیل ۱۲ سال پایم را از ایران بیرون نگذاشتم و ممنوع - الخروج بودم پدرم وقتی فوت شد اجازه تشییع جنازه پدرم را در مشهد به من ندادند من با چهار حامل پدرم را به قبرستان بردم این چه انصاف اسلامی است که به من رستاخیزی می‌گویند (رئیس - آرام باشید) (خلخالی - خودت گفتی که معاون بودی) رئیس - آقای خلخالی خواهش میکنم اجازه بدهید.

صدر نبوی - اولین مخالفت من با شاه درست بعد از این عکس در ماه مبارک رمضان بود در کاشمر وقتیکه مردم میترسیدند اسم امام را به زبانشان بیاورند در تکیه حسینی، آقای خزاعی کاشمیری نماینده رشت شاهدند که اسم امام را در آنجا بردیم و بعد اولین سخنرانی علیه رژیم، در حالیکه دانشکده ادبیات در محاصره تانکهای شاه بود در محیط دانشکده من بر صندلی رفتم و تالار مرحوم دکتر فیاض را بنام دکتر شریعتی نامگذاری کردم و از آنجا متواری شدم بشاهرود و بعد از آنجا در آغاز ماه محرم که امام دستور قیام علنی را دادند به کاشمر آمدم و به کمک روحانی مبارز آقای شاکری که در قم تشریف دارند تمام تکایا را در یک جا جمع کردیم چون من سی سال است که افتخار نوکری امام حسین را دارم. علت نفوذی که در تکایا داشتم این‌ها را بدور هم جمع کردم و تصمیم گرفتیم که در روز سوم حرکت کنیم، دسته جمعی از باغ مزار حرکت کردیم روز چهارم من در مسجد جامع سخنرانی کردم روز پنجم در باغ مزار، روز ششم در خیمان شاه ما را به مسلسل بستند ۱۸ نفر زخمی و شهید ببهودی آن روحانی مبارز به شهادت رسید به دنبال من و آقای شاکری بودند من مخفیانه چون دروازه‌ها را بسته بودند از شهر به مشهد گریختم و حضور آیت‌الله شیرازی رسیدم ایشان فرمودند که تو باید برگردی، شبانه برگشتم مردم را مسلح کردیم، سلاحها را در لای پرچم عزا پیچیدیم و با کفن با این قصد برخاستیم که بمیریم مگر آئین اسلام نیست که خالدین ولیدها و جناده‌ها و حرین ریساحی‌ها را می‌پذیرد و تبدیل به انسان می‌کند. این کار در حق اسلام جفا است که اگر جنبه تکامل بخش اسلام را از آن بگیریم، دیگر محتوای واقعیش از بین میرود، زیرا اسلام کارخانه انسان سازی است. من نمی‌گویم اشتباه نکردم ولی در آخرین مراحل و حتی در مراحل تبلیغی کار خودم را کرده‌ام و وقتی که احساس کردم که باید برخیزم وجودم را در مقابل خطر و آسیب گلوله قرار دادم تا تصفیه بشوم چه کنم که سعادت شهادت را نداشتم هر چند که من را به شهادت آقای خزاعی و کاشمیری دوبار به مسلسل بستند به هنگام خلع سلاح شهربانی وقتی که عکس امام را به شهربانی بردم به پاسان گفتم عکس امام را بزن و عکس شاه را بکن مسلسل را روی من کشید. آقای امینی دادستان کاشمر که فردی انقلابی است با من آمدیشان و تمام کاشمیری‌ها شاهد قضیه هستند اما به من گفتند که به دانشجویان سار کسبست نمره میداده اینها همان سار کسبست‌های اسلامی بودند ثانیاً من بعنوان معلم دانشجوییم را دوست دارم مثل فرزندم است. انسان نمیتواند به فرزندش جفا بکند هر چند که منحرف باشد باید بکوشد که او را برگرداند من به خیلی‌ها کمک کردم بدان دانشجویانم کمک کردم فقط به یک علت و آن اینکه قلم و کلمه مقدس است اینها سیراث خداوند هستند باید در راه تکامل بندگان خدا بکار روند من نمره ده یک انسان مستضعفی را که با کفش پاره آمده آقای منوچهری و دیگران و دیدم که معیل است و مورد تعقیب است نمره ده و نمره دورا من بیست کردم نه یک بار و نه دوبار برای خدا صد بار و باز هم خواهم کرد (یکی از نمایندگان - خود این کار دزدی است) (همه نمایندگان) اجازه بدهید اما چون من شما را به نیابت ملت ایران میدانم با قلب ملت ایران با اندیشه ملت ایران دارم صحبت می‌کنم. بدون فکر کردن و اینکه شما مرا قبول بکنید یا نکنید من قبولیم را به خدا واگذار می‌کنم شما بنده خدا هستید من بنده خدا را در عمرم نپرستیدم من خدای شما را پرستش می‌کنم. اما وقتی ما را به گلوله بستند رفتیم خدمت آقای شیرازی و برگشتیم و انقلاب را راه انداختیم. عاشورای بسیار با شکوهی بود و به علت اینکه هنوز رژیم واقعا نفوذ داشت عده‌ای از شاه‌ها با چوب و چماق دنبال من بودند مجبور بودم که برگردم به مشهد زیرا کمبود نفت را به عهده من یعنی به عنوان گناه من تلقی می‌کردند. می‌گفتند اگر این شخص به اینجا نمی‌آمد زندگی ما را از هم نمی‌پاشیدند همه شاهدند که من اگر در عرض این دو ماه به کاشمر میرفتم من

را می‌گشتند تا اینکه امام تشریف آوردند و دولت آقای مهندس بازرگان تشکیل شد و دولت آقای مهندس بازرگان را با عکس و سند و دلیل که در اینجا هست در سه سخنرانی برای مردم عنوان کردم و توجیه کردم و در سخنرانی آخر به شهادت کاشمریها وقتی که وانت را جلو شهربانی گذاشتند شهربانی تهدید کرد که هر کس روی وانت برود تیرش می‌زنیم. من گفتم خدایا شاید من دهسال اشتباه کردم شاید تبلیغات من کافی نبوده است و با یاد حسین بروانت رفتم و یکساعت درباره شخص مهندس بازرگان و سیاست امام خمینی صحبت کردم و توجیه کردم که این انقلاب باید بنحواحسن انجام بشود و این دولت باید تأیید بشود چرا که در جهت اسلام راستین است ولی هنوز افراد شاهی در میان آن جمع بودند تا اینکه در شب بیست و دوم بهمن ماه یک گروه مسلح دوست نفری ملی تشکیل دادیم و شورای انقلابی در شهر کوچک خودمان پایه ریزی کردیم بدون رابطه با شورای انقلاب اینجا، چون ما اطلاع و رابطه‌ای با اینجا نداشتیم. ساعت ۴/۳ بیست و دوم بهمن ماه بنده باتفاق دادستان کاشمر بعنوان عضو شورای انقلاب شهر به شهربانی رفتم و آن ماجرا پیش آمد و دوباره به کمک افراد مسلح برگشتیم و شهربانی را خلع سلاح کردیم. بعد از پیروزی انقلاب مرا به دانشگاه خواستند دانشجویان مرا بعنوان رئیس گروه علوم اجتماعی انتخاب کردند. اگر من رستاخیزی بودم همانجا دانشجویان بحساب من می‌رسیدند، دانشجویان مرا بعنوان رئیس گروه علوم اجتماعی انتخاب کردند که هم اکنون هستم و این پست را هنوز هم دارم. و تعداد دانشجویانم بعد از پیروزی انقلاب از ۳۰۰ نفر گذشت و به ۴۰۰ نفر رسید و این را کسانی شاهدند و دفاتر را میتوانند بخوانند فقط اشخاصی که رسماً اسم نوشته‌اند بالای ۳۰۰ نفر هستند و مستمع آزاد هم در حدود کل جمعیت میشد ۴۰۰ نفر. بعداً فعالیتیم راهمین طوری که عرض کردم در اسکان مختلف شروع کردم. پیش از انقلاب در دادگستری سخنرانی کردم در مسجد کرامت باتفاق آیت الله مرعشی دو سخنرانی داشتم. در بیمارستان سپیده انقلاب سخنرانی کردم، در فرهنگ و هنر سخنرانی کردم بعد بعنوان عضو انجمن نظارت بر انتخابات ریاست جمهور انتخاب شدم و عرض کردم از طرف آیات عظام که در اینجا هستند و استاد شریعتی بمن امر شد که وکالت را قبول کنم. من اول کاندیدای مشهد بودم در روزنامه خراسان کاندیدای مشهد از طرف دانشگاهیان بودم در روزنامه خراسان انصراف خودم را اعلام کردم به علت اینکه کاشمریها آمدند مرا برای امر وکالت به کاشمر بردند من در مقابل برخی از جناحهای زورمند سیاسی منفرد بودم اما ایراد من به کمیسیون تحقیق با وجود احترامی که به تمام آقایان می‌گذارم باید تحقیق در چگونگی کمیسیون تحقیق هم بشود. اول اینکه در بدو ورود باین کمیسیون جناب آقای خلخالی یک عکسی که من با شاه مخلوع دارم در دست گرفته بودند و یک عکسی که میان کفن پوشان بودم به شهادت تمام آقایان، ایشان گفتند اگر این دو عکس را کنار هم بگذاریم آیا تو یک منافق نیستی؟ پاسخ دادم جناب خلخالی این کسی که در اینجا به زور رفته و او را به زور برده‌اند و شاه با او دست داده است من که پیش شاه نرفته‌ام و ثانیاً آیا یک منافق در زیر رگبار مسلسل سخنرانی میکند؟ من با وجود اینکه آقای خلخالی را انسان بدی نمیدانم تقاضا دارم ایشان درباره قضاوت‌هایشان یک قدری تأمل کنند، زیرا قضاوت احتیاج به تأمل زیاد دارد و با این عجله یک انسان را نمیشود قبول یا رد کرد اما نکته بعدی (خلخالی - ما حرف شما را قبول نداریم) اشکالی ندارد ما خودمان را قبول داریم. اما مسأله دیگر با وجود احترام و علاقه‌ای که به خانواده غفاری دارم جناب غفاری و پدرشان برای من الگو بودند من پدر آقای غفاری را بگونه پدرم دوست داشتم ایشان آمدند به کاشمر و تصفیه مرا در مجلس در دو ماه پیش در مسجد جامع برای مردم اعلام کردند و من این گله را از ایشان می‌کنم که چرا من باید چوب دوست را بخورم من که علیه روحانیت نبودم من که یک شیوه علیه اسلامی بکار نبردم من افتخارم این است که در تمام تبلیغاتی که داشتم از کاندیداها بعنوان برادران عزیزم یاد کردم و یک کلمه اتهام یک کلمه ناروا به کسی وارد نساختم. اما نهایتاً کسیکه شخصیتش در اینجا ذبح شده و سر بریده شده کسیکه شخصیتش را در اینجا در مقابل ملت ایران این چنین در هم شکسته، اعلام وجودش دیگر اهمیتی ندارد من دیگر واقعاً این زندگی را دوست ندارم و فقط از خداوند میخواهم که مرا بیامرزد والسلام. غفاری - چون از من اسم بردند من حق دارم و باید پاسخ بگویم.

رئیس - اجازه بفرمائید مطابق آنچه نامه پانزدهم به شما ارسال شده اظهار گردد ولی چون چند نفر سؤال کرده‌اند و در جلسه است موافق سؤالی کرده باشد هم مخالف و هم موافق است سربوط به کمیسیون تحقیق هم باشد چون آقای مهندس بازرگان در جلسه به بنده می‌فرمودند که خیلی از این مسائل در کمیسیون تحقیق توضیح بدهم مسائل روشن نشده است هم هست که هر چه بیشتر عمل کمیسیون تحقیق روشن شود و حتی روشنتر. بنا براین چون ممکن است این مسائل را هم بشناسد هم باشد آقای دکتر یزدی در این خصوص آماده کردیم سؤال کنندگان هم ممکن است موافق و هم مخالف باشد عرض می‌کنم این خلاف اصلی است که در این جلسه با موافقت آقایان برای اینکه کاملاً مسائل روشن شود را با دقت بیشتری اعلام نمایند خواهش میکنم سؤال مطرح بفرمایند. آقای بجنوردی از همانجا مطرح کرد اگر خلاف اصل مرتکب نشویم بهتر است. بجنوردی - بسم الله الرحمن الرحیم. سؤال اول - اگر مجلس چکیده اندیشه‌ها و خواستها و تمایلات مردم آقای نبوی است اگر چنین هست طبیعتاً میباید نماینده بخش مردم باشد که دهها سال زیر ستم اسپریالیسم و نوکری او کسی که حداقل عضویت رستاخیز را پذیرفت و بازرخی بر اثر ضعف ایشان بوده و نه پذیرفتن قلبی میتواند در این قهر انقلابی مردم باشد؟ میتواند در مقابل نماینده نبوی شامیتوانید تضمین بکنید، همانطوریکه در زمان فاشیسم در آلمان در آینده وقتی که ما درگیر مسائل حاد داخلی شدیم سؤالی از آقای بجنوردی از حدود سؤال خارج نشوید).
سوال دوم - شما گفتید که در جریان انقلاب کفن پوشان دست شما مینالید و حتی فرمان اعدام شما را داد و کفن پوشان آن‌ساواکی‌هایی که میروند در ارگانهای انقلابی آنها باید معرفی شوند. از دست شما مینالید در ماها نفوذ میکردید (رئیس - آری شما از حدود سؤال دارید خارج میشوید) بنده دیگر حرفی ندارم. رئیس - آقای کیاوش بفرمائید (غفاری - بنده تذکری ندارم مرا بردند من مقدم هستم) بسیار خوب آقای کیاوش از همانجا بفرمائید کیاوش - یکی از ایرادهائی که گروهکها از انقلاب ما بردند اجرائی دارند این است که اجازه داده‌اند اشخاصی که در پستها بودند آنها بیایند روی کار و کارهائی بکنند انقلابی تر از باین طریق اگر سندی هست برای حزب رستاخیزی بودن یا نبودن بودن آقای نبوی هر عملی که بعد از آن کردند حتی اگر حرفی انقلابی ترین انقلابی‌ها هم بوده با اینهمه ضربه مهلکی بود به انقلاب فقط کافی است سند نشان بدهند که ایشان معاون حزب رستاخیز عضو حزب رستاخیز بوده‌اند اگر چنین سندی هست خواهش میکنم توکلی - اسم مرا هم چون تمام کارمندان اداری (رئیس - آری نمایندگان).

رئیس - آقای توکلی بفرمائید بنشینید.
کیاوش - سؤال دیگر (رئیس - آقای کیاوش به شما می‌شوم قسمت اولتان سؤالی نبود تذکری بود سؤال بفرمائید سؤال کردم آیا ایشان سند رستاخیزی دارند یا ندارند؟ آقای نبوی شما که تشریف آوردید طبقه چهارم ما جلساتی برادران و حدود ۵۰-۶۰ نفر نشسته بودند در سخنرانی‌ها من بر چه قوانینی ایمان دارم خواهش می‌کنم آن سندی که در آنجا ترسیم فرمودید دوباره بفرمائید و گفتید به ما که ما من قانون نمی‌شناسم.
رئیس - فرمایشتان تمام شد؟ (کیاوش - بله) آقای غفاری هم یکجا جواب داده خواهد شد هم آقای میدرنبوی در این آنچه را که باید یادداشت می‌کنند و بموقع جواب خواهند داد غفاری - بسم الله الرحمن الرحیم. چون در اینجا اسمی



توکل - من سؤالی ندارم و در اینجا آن حرفی را هم که بی اجازه زدم اشتباه کردم و عذر میخواهم از مجلس ولی خواستم جواب آقای کیاوش را بدهم و میخواهم خواهش کنم سؤالاتی را که آقای حائری زاده کردند بعد از اتمام این قضیه انجام بشود که مسائل خلط نشود.

رئیس - آقای صدرنبوی به سؤالاتی که شده بود توضیحاتی که آقایان دادند جواب میدهند و بعد هم خود آقای دکتر یزدی جواب میدهند (هادی نجف آبادی - من یک توضیح مختصری دارم) خواهش میکنم بفرمائید بنشینید آقای صدرنبوی بفرمائید.

صدرنبوی - در مقولات مادی و معنوی ما مقولات اسمی و مقولات جوهری، عضویت در حزب رستخیز اگر به زور باشد و اگر کسی یک کلمه در آنجا صحبت نکرده باشد و یک کلمه در آنجا نوشته باشد و او را به زور به آنجا برده باشند این یک عضو اسمی اجباری است که من نمیدانم از لحاظ قسط اسلامی گناه این چقدر است؟ و اگر هم این آدم عیناً از این وسیله به عنوان یک پوشش برای تبلیغات استفاده کرده باشد و برای کارهای خودش در سطح دانشگاه، آنهم باز وجه دیگری دارد. من وقتی عضو رستخیز می بودم که یک کلمه در یک جایی صحبت می کردم و یا اینکه یک کلمه ای می نوشتم، من را به زور آنجا بردند، نشاندهند و من دوبار اصولاً با خنده و مضحکه بیرون آمدم و دوبار هم مغموم و مهموم تا آخر سرم پائین پائین بوده و به علت اینکه دانشجویان را تحریک میکردم و در نیامدن به این کانون مرا محاکمه کردند این سؤال برادرم، و اگر میخواهم این معیار را بگیریم در حدود تقریباً بیست میلیون از جمعیت ایران به اجبار رستخیزی بودند چون شاه مخلوع آمد و گفت «آن کسانی که به این حزب نیایند بروند به جهنم، و یا اینکه به خارج» من امکان به خارج رفتن برایم میسر نبود و جهنم هم نمیخواستم بروم زیرا که میخواستم (همه نمایندگان) (ملازاده - لابد میخواستید از امکانات...) پایگاه تبلیغاتی خودم را در دانشکده ادبیات محفوظ بدارم اما مسأله ای که آقای کیاوش فرمودند من اهل مصالحه نیستم من عقیده دارم به یک اسلام متکامل این را در آن جلسه منفردین عرض کردم که دو پایه آن از پدر طالقانی و دکتر شریعتی و رأس آن، اوج آن در اندیشه های امام است این دو تا پایه هائی هستند که معنای اسلام واقعی که در چهره امام به تبلور رسیده بدست میدهند من عقیده به این دارم و معتقدم اگر به جرم این عقیده میخواهید من را رد کنید، رد کنید. عیبی ندارد (همه نمایندگان - زنگ رئیس).

فؤاد کریمی - به جرم ساواکی بودن و منافق بودن تو را رد می کنیم (زنگ رئیس).

دکتر صدرنبوی - آقای فؤاد کریمی شما آدم بی احتیاطی هستید اگر ثابت بشود حرف شما دروغ است شما را به محاکمه میکشانم (زنگ رئیس) من اگر ساواکی بودم پرونده من اینجا می آمد شما آقا در شیراز (رئیس - آقای نبوی) بلوائی به راه انداختی، پنجاه پاسدار را به کشتن دادی و هنوز هم سر جای تان نمی نشینی. آقا از ملت ایران خجالت بکشید. (همه نمایندگان). خلخالی - آقای نبوی عضو رستخیز این دروغ محض است چون خود دستگاه سابق اعلام کرده بود که دوازده میلیون عضو دارد (همه نمایندگان - زنگ رئیس).

کیاوش - آقای نبوی این مثلث را باید توضیح بدهی. خلخالی - ایشان عضو رستخیز بوده اند آقای رئیس نگذارید صحبت کنند. دکتر صدرنبوی - اجازه بدهید این سؤال را جواب بدهم، چشم، عرض میکنم آقای کیاوش، اما این آقائی که فرمودند پیرمردی زهوار در رفته دوست قدیمی امام هست که من در جماران در حضور آقای صانعی به خدمت امام رسیدم و ایشان گفتند تنها کاری که میتوانم بکنم این بچه برادرم را به شما پیشکش می کنم که از اول در راه انقلاب بوده است ایشان یکی از مجتهدین طراز اول است، آیت الله ربانی ایشان را می شناسند. زهوار خود شما در رفته آقای غفاری، نه ایشان (همه نمایندگان - زنگ رئیس).

غفاری - آن روحانی که ایشان میفرمایند پدرزن آقای نوغانی هستند. بشارتی - اگر نمایندگان مصونیت نداشته باشند حرف بزنند ایشان چه دارد میگوید توهین به همه دارد میکند سؤالاتی که مطرح میشود جواب نمیدهد، اجازه نمیدهد اصلاً ما حرف بزنیم (همه نمایندگان - زنگ رئیس). صدرنبوی - اما آقایان عادل که در اینجا نشسته اند شما اعتبارنامه کسی را تصویب کردید که قلمی در توجیه لوایح ششگانه چندین بار به کار

مطلب نوشتم که پرسم (رئیس - آن میکروفون درست نیست و صدا نمیرسد بفرمائید بنشینید و صحبت کنید) ما اسباب بازی که نیستیم که میفرمائید بنشینیم و بلند شویم (خنه نمایندگان) مثل اینکه در نشستن و ایستادن هم باید اجازه بگیریم، عرض کنم ایشان فرمودند جامعه روحانیت آنجا خودشان میدانند که بنده به کاشمرفتم بجز دوتن از آقایان که یکی شان پیرمرد نود و چندساله ای است که آب را از ذغال تشخیص نمیدهد پیرهستند و مردفاضل و محترمی هستند اما آنقدر پیرهستند که دیگر زهوارشان در رفته است (خنه نمایندگان) این یکی از جامعه روحانیت مبارز آنجاست یکی دیگر را نمی شناسم بنابراین اطلاق جامعه روحانیت مبارز اخیراً چماقی شده است متنها برعکس یعنی هر کس هر کجا میخواهد بطریقی خودش را تطهیر کند این یک ملاک شده است ثانیاً من آمدم آنجا جامعه روحانیت مبارز را دیدم اگر یادتان باشد در گرداگرد مسجد علمای روحانیت پر بودند و همه شان علیه شما صحبت کردند این مطلب مربوط به آمدن من اما درباره خود من حتماً آقای رامپور میداند که من این شهر و آن شهر میروم و صحبت میکنم و تاکنون شاید در اکثر شهرهای ایران صحبت کرده ام اگر شما جای من باشید و از شما بپرسند که آقای غفاری نظر شما در مورد کسی که معاون کانونی از کانونهای حزب رستخیز است عین سؤال را من دارم آقای غفاری آیا معاون حزب رستخیز حق دارد کاندیدای مجلس شورای اسلامی بشود شما اگر جای من باشید چه میگوئید مسلمانان یکبار بلکه صد بار میگویم خیر، چرا؟ برای اینکه من میدانم رستخیز یعنی چه؟ برای اینکه همان رستخیزی که شما بزور استان را نوشتید من برای اینکه بزور اسم را ننویسم باید بازن و بچام بقول آقای خزعلی در هتل چمن میخوابیدم باید بین خرمشهر و اهواز توی پمپ بنزین میخوابیدم، تا اینکه بزور اسم را ننویسند این درست نیست که شما بگوئید ما را از قبل رد کردید بلکه رد می کنیم الان هم عرض میکنم اگر ثابت بشود که کسی در حزب رستخیز ولو بزور رفته است میبایست شهید میشد و این زور را نمی پذیرفت حالا که پذیرفته ما که نمی گوئیم شما را اعدام کنند که شما بگوئید که این عین اکراه بوده است ما فقط میگوئیم که شما اینجا تشریف نیاورید والسلام.

رئیس - آقای حائری زاده (علی آقا محمدی) - سؤال را معنی بفرمائید و مشخص کنید (بلی من تذکر دادم). غفاری - من نمیخواستم سؤالی بکنم چون اسمی از من بردند لازم بود که توضیحی بدهم.

رئیس - بله ایشان سؤال نداشتند تذکری را که مربوط به خودشان بود دادند فرق ایشان با دیگران در این بوده.

حائری زاده - بسم الله الرحمن الرحيم. من یک سؤالی دارم از هیات رئیسه شما از دیروز در مورد آقای حسینجانی و بعدروش را اشتباه کردید اگر قرار است قسط باشد برای تمام نمایندگانی که از ابتدا شروع شد به رسیدگی باید نحوه طرح اعتبارنامه ها بهمین صورت می بود من بخود کمیسیون تحقیق هم اعتراضی دارم سه جلسه قبل بخود شما یادداشت دادم که آقا من پنج دقیقه به عنوان اعتراض به روش کمیسیون تحقیق می خواهم صحبت کنم و مرا در نوبت گذاشتید تا امروز.

رئیس - تأمل بفرمائید جواب این قسمت از تذکرتان را بدهم آئین نامه در این خصوص ساکت است همانطور که خود شما متذکر شدید پیش از این ما دیروز همانطور عمل میکردیم دیروز همین مسأله در هیات رئیسه و با حضور رؤسای شعب مطرح شد و خصوصاً در موارد این قبیل پرونده هائی که رده شده تلقی میشود تصمیم گرفته شد که هر چه درباره آنها صحبت بیشتر بشود و روشتر شود بهتر است و نظر بر این بود و دیروز تا بحال هم بنده همین طور عمل می کنم بنابراین از اشتباهی که برایتان حاصل شده است خارج بشوید.

حائری زاده - سه سوال اساسی از کمیسیون تحقیق دارم سخنگویان صریحاً جواب بدهند تا همه نمایندگان مطلع بشوند.

۱ - آیا لیست کامپیوتری ساواک رایبه کمیسیون تحقیق آورده اید یا خیر؟
۲ - آیا مدارک لانه جاسوسی برای هر ۲۷ نفر خواسته شده است و اگر مدارکی هست آیا به همه نمایندگان ارائه میکنید یا خیر؟

۳ - آیا کمیسیون تحقیق کسی یا کسانی را برای افراد و یا برای شخصی که الان مطرح میشود به کاشمرفه یا شهد یا شهرهای دیگر یا برای نمایندگان دیگر فرستادید یا خیر؟ عرض دیگری ندارم.

رئیس - آقای توکل.

رئیس - مسأله سوم که باید آقایان مسبقاً باشید اینست که هیأت رئیسه مجلس از نظر اینکه مبدا تضييع حق موکلین هموطنان بشود موظف است اگر مجلس اعتبارنامه‌ای را رد کرد بلافاصله به وزارت کشور اطلاع بدهد برای اینکه مقدمات انتخابات بعدی را عاجلاً فراهم کنند بنا براین همین امروز گزارش رأی امروز و دیروز آقایان دایر به رد دو اعتبارنامه به وزارت کشور خواهد رفت.

رمضانی - یک مسأله‌ای که اینجا مطرح است وقتی اعتبارنامه‌نماینده‌ای رد میشود از دو جنبه است یکی اشکال بر انتخابات است و یکی هم اشکال بر صلاحیت فرد است این را مجلس مشخص نمیکند و وزارت کشور با آن سلاک‌هایی که دارد دوباره طرف مربوطه را ممکن است مجاز بداند که در انتخابات شرکت بکند و یک سیکل را ما اینجا طی بکنیم این یک نکته (صدر نبوی - بنده قربان توبه کردم دیگر شرکت نمی‌کنم) خیر، درباره آقای حسین‌جانی هم مطرح است مسأله دیگری که وجود دارد من خصوصاً از آقای دکتر سعایی مسأله را خواستم که اجازه دادند از مخیر کمیسیون تحقیق بخواهیم که در رسیدگی به پرونده‌ها چرا کندی و کوتاهی میشود.

رئیس - آقای سلامتیان مطلبی داشتید بفرمائید.
 دکتر سلامتیان - جناب آقای دکتر سعایی در یک جلسه‌ای اعتبارنامه آقای امید آبادی از اصفهان مطرح شد به علت نبودن اشکال بناشد روز بعد وقتی که ایشان در جلسه حضور دارند مطرح بشود.

رئیس - خیر از طرف کمیسیون تحقیق پرونده را پس گرفتند زیرا تحقیق بیشتر لازم دارد اینرا اگر به من می‌گفتید قبل از اینکه مطرح بشود به شمامی‌گفتم.

۵ - پایان جلسه

رئیس - جلسه ختم میشود موقع تشکیل جلسه بعد، بعداً به اطلاع خواهد رسید.

(ساعت ۱۲ و چهل دقیقه جلسه پایان یافت)

رئیس سنی مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران - دکتریدالله سعایی

افتاده و با این قلم بدنبال شاه به راه افتاده و من که این قلم خودم را محفوظ نگه‌داشتم و این عمل را انجام ندادم من را مجازات می‌کنید و او را تبرئه (هممه نمایندگان - زنگ رئیس).

یکی از نمایندگان - دارد به همه تهمت میزند.

رئیس - اعلام رأی میشود (کیاوش - مطالب باید کاملاً روشن شود) آقای کیاوش مذاکرات کفایت و مجلس روشن است. توجه بفرمائید در کشور میز آقایان دو نوع کارت با سه رنگ سفید، کبود و زرد موجود است. کارتهائی که اسم آقایان روی آن نوشته شده برای رأی علنی و کارتهائی که اسم آقایان روی آن تحریر نشده است برای رأی مخفی است که الان چون رأی مخفی است از نوع دوم استفاده میشود بدون اینکه روی آن چیزی بنویسید باین ترتیب موافقین با کارت سفید و مخالفین با کارت کبود و ممتنعین با کارت زرد رأی خواهند داد تذکر دیگر اینکه آقایان در جای خودشان بنشینند و حرکت نکنند تا اخذ رأی تمام بشود.

(اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه آن بشرح زیر اعلام شد)

رئیس - نتیجه آرائی را که راجع به اعتبارنامه آقای صدر نبوی در مجلس اخذ شده است به استحضار میرسانم.

عده حاضر در جلسه ۲۰۳ نفر مخالف ۱۲۹ نفر موافق ۲۹ نفر ممتنع ۵۰ نفر بنا براین اعتبارنامه آقای صدر نبوی رد شد (تکبیر نمایندگان) قبل از تعطیل جلسه دو نکته را متذکر میشوم اولاً (فؤاد کریمی - آقای صدر نبوی در ضمن صحبتشان یک موضوع را در رابطه با من گفتند) بفرمائید بنشینید آقا خواهش میکنم بنشینید این مطلب‌تان از موضوع خارج است. آقایان توجه بفرمائید چون می‌بایستی گزارش کمیسیون تحقیق آماده باشد تا من جلسه را تشکیل بدهم و هنوز گزارشی از کمیسیون تحقیق برای طرح کردن در مجلس به هیأت رئیسه ارائه نشده است بنابراین جلسه علنی بعداً به اطلاع خواهد رسید.

یکی از نمایندگان - گزارش مربوط به اعتبارنامه آقای امید آماده است و بحث هم ندارد.